

اروپا برای اسرائیل هیچ‌وقت به‌پیش از ۷اکتبربر نمی‌گردد. شاهد مثال آن واکنش های اعتراضی به فحطی و نسل کشی در غزه است. تجاوززها و جنایات صهیونیست‌ها در غزه با اعتراض در خیابان‌های اروپا شروع شد و حالا این اعتراضات، معترضان اروپایی را به مرزهای نوار غزه رسانده، حتی اعمال فشارهای لابی صهیونیستی برای محدودکردن آزادی بیان در آمریکا نیز توانست مانع ادامه این واکنش ها شود. فعالان اروپایی که با قایق راهی نوار غزه شدند، می‌دانستند در مسیر و نزدیکی مرزهای آبی این سرزمین بازداشت می‌شوند، کمابینکه پیش از به راه افتادن نیز، صهیونیست‌ها هر اقدامی را که می‌توانستند انجام دادند، از حمله پهبادی به قایق تا مسموم کردن آب آشامیدنی آن‌ها، در شرایطی که سازمان ملل جز ابراز تأسّف کاری نمی‌کند، جهان عرب منافعش را در سکوت می‌بیند، به راه افتادن کاروان صمود برای شکستن محاصره غزه، بزرگ‌ترین اقدامی است که می‌تواند این جنایت آشکار را برای رسانه‌ها در صدر توجه نگه دارد. این واکنش رسانه‌ای تلنگرها و هشدارهای زیادی دارد، اینکه در وضعیت رخوت و تعلیق نظام بین الملل و جهان عرب، خطور چند جوان اروپایی، محاصره رسانه‌ای علیه این جنایت آشکار را با اقدامی خلاقانه می‌شکنند. رویدادی کم‌نظیر که می‌تواند اثبات‌کننده این گزاره باشد که حسی با فرض اتمام جنگ، تلقی افکار عمومی غرب در مورد رژیم صهیونیستی دیگر به پیش از ۱۷اکتبر باز نخواهد گشت و چه‌سدر سطحی کلان، مرزهای دفاع از حقوق بشر را در نظم در حال تغییر، متحول کند.

■ ■ ■

■ **اجماع جهانی صمود علیه اسرائیل**

اعتراضات جدیدی که در واکنشش به محاصره غزه به راه افتاده، این بار در ابعاد ی بزرگ‌تر، گسترده‌تر و منسجم‌تر به راه افتاده است. آن‌طور که رسانه‌ها می‌گویند نزدیک به ۵۰۰ قایق برای ارسال کمک به مردم غزه به راه افتادند در این قایق‌ها بیشتر از ۷۰۰ فعال اجتماعی حضور دارند که در میان آن‌ها چهره‌های مشهوری از بازیگران تا نمایندگان پارلمان اروپا حضور دارند، اما نکته مهم‌تر آن است که این ۷۰۰ نفر دست‌کم از ۲۰ کشور وارد آب‌های مدیترانه شده‌اند. در واقعیت این حرکت اعتراضی، منسجم‌ترین و متشکل‌ترین، واکنش به جنایات رژیم صهیونیستی است. از شروع حرکت این کاروان، اعضای حاضر در آن به این موضوع آگاه بودند که صهیونیست‌ها آن‌ها را بازداشت خواهند کرد، اما بازنمایی رسانه‌ای این حرکت اعتراضی، به گونه‌ای تنظیم شده بود تا واقعیت آبارتائیدی رژیم صهیونی را به افکار عمومی جهان، منتقل کند. به همین منظور بود که بعد از بازداشت فعالان اجتماعی حاضر در کاروان، تجمع‌های اعتراضی دومینوواری علیه بازداشت اعضای کاروان صمود در رم، آمریکا، آلمان و ایتالیا برگزار شد، البته در این مورد دولت‌های سیاسی حاکم به‌جز کلمبیا و ایران، چندان واکنش‌های تند و شدیدی نشان ندادند.

■ **خیزش طبقه متوسط غرب علیه رژیم**

در میان جمعیت‌هایی که در نزدیک به دو سسال گذشته از دل اروپا، دست به تجمعات ضداسرائیلی زدند، تقریباً سه دسته‌بندی را می‌توان مطرح کرد:

بازداشت اعضای کشتی صمود توسط صهیونیست‌ها بار دیگر فضای ضداسرائیلی را در دنیا سنگین کرد

خودزنی دزد دریایی



بخشی از آن‌ها جوانان فلسطینی تبار ساکن این کشورها هستند، بخشی جوانانی هستند که گرایش‌های چپ دارند و بخشی نیز مردم عادی از بدنه طبقه متوسط اروپا هستند که علیه این جنایت‌های غیرانسانی، دست به اعتراض زدند. اگرچه پیش‌ازاین نیز فعالان حقوق بشری اقداماتی در دل اروپا علیه رفتار نژادپرستانه صهیونیست‌ها انجام می‌دادند و فلسطینی تبارها نیز از هر فرصتی استفاده می‌کردند تا مانع فراموش شدن فلسطین شوند، اما این اقدامات در سال‌های بعد از ۷ اکتبر تاکنون، گستردگی زیادی پیدا کرده است، شاهد مثال آن‌هم پیوستن بخش زیادی از طبقه متوسط در اروپا و غرب به این اعتراضات است. اگر پیش‌ازاین در دانشگاه‌های آمریکا بعد از هر تجاوزی واکنش‌های شبیه و شنفکری شروع می‌شد، حالا شدت این واکنش‌ها به حدی افزایش پیدا کرده که رئیس‌جمهور آمریکا برای محدودکردن این واکنش‌های اعتراضی دانشجویان با دانشگاه‌ها درگیر می‌شود. البته نتایج نظرسنجی و افکار سنجی‌ها در اروپا نیز این موضوع را اثبات می‌کند که واکنش به این جنایات، تنها محدود به قشر خاصی نیست، بلکه در ابعاد کلان، موجب کاهش میزان اعتماد و خوش‌بینی آن‌ها به اسررائیل شده است. ۶۲ درصد مردم جهان از اسرائیل متنفردند و نکته عجیب‌تر آنکه نتایج افکار سنجی‌ها در آمریکا نیز نشان می‌دهد میزان همدلی مردم آمریکا با فلسطینی‌ها بیش از صهیونیست‌هاست.

■ **پیام‌های صمود برای جهان**

نکته مهمی که در جریان اعتراضات ضداسرائیلی‌ها در دو سال گذشته برجسته بود، تفاوت نگاه دولت‌ها با افکار عمومی‌شان بود. در شرایطی که قدرت‌های سیاسی حاکم، به حمایت از رژیم صهیونیستی در مواضع اعلامی و اعمالی ادامه می‌دادند، افکار عمومی در هرکدام از این کشورها به رفتارهای غیرانسانی اسرائیل فارغ از ملاحظات سیاسی واکنش نشان می‌دادند. حرکت اعتراضی مردمی‌های صمود در سه سال‌های بعد از ۷ اکتبر تاکنون، گستردگی زیادی پیدا کرده است، شاهد مثال آن‌هم پیوستن بخش زیادی از طبقه متوسط در اروپا و غرب به این اعتراضات است. اگر پیش‌ازاین در دانشگاه‌های آمریکا بعد از هر تجاوزی واکنش‌های شبیه و شنفکری شروع می‌شد، حالا شدت این واکنش‌ها به حدی افزایش پیدا کرده که رئیس‌جمهور آمریکا برای محدودکردن این واکنش‌های اعتراضی دانشجویان با دانشگاه‌ها درگیر می‌شود. البته نتایج نظرسنجی و افکار سنجی‌ها در اروپا نیز این موضوع را اثبات می‌کند که واکنش به این جنایات، تنها محدود به قشر خاصی نیست، بلکه در ابعاد کلان، موجب کاهش میزان اعتماد و خوش‌بینی آن‌ها به اسررائیل شده است. ۶۲ درصد مردم جهان از اسرائیل متنفردند و نکته عجیب‌تر آنکه نتایج افکار سنجی‌ها در آمریکا نیز نشان می‌دهد میزان همدلی مردم آمریکا با فلسطینی‌ها بیش از صهیونیست‌هاست.

یک خبر مهم در پسا اسنپ‌بک؛ روس‌ها رسماً اعلام کردند پیمان راهبردی دو کشور از ۱۰ مهر اجرایی شد

خروج پروندهٔ ایران – روسیه از صندوق



در راستای حمایت از اقدامات خصمانه علیه یکدیگر، نخواهند داد.»

■ **همکاری اطلاعاتی**

مواد ۴ تا ۶ استون‌های نظامی و امنیتی معاهده را تشکیل می‌دهند و زیر سایه اسنپ‌بک اهمیت آن‌ها دوچندان می‌شود. ماده ۴ هر همکاری اطلاعاتی برای مقابله با تهدیدات مشترک، از توروسیم گرفته تا حملات سایبری، تأکید دارد. برای ایران، تبادل اطلاعات با روسیه می‌تواند شکاف‌های موجود را جبران کند. از سوی دیگر، با توجه به چالش‌های اطلاعاتی مسکو در اوکراین و ادعاهای برخی رسانه‌های غربی درباره ارسال تسلیحات توسط اسرائیل، روسیه می‌تواند از تجربیات ایران در دفاع علیه تهدیدات اسرائیل بهره‌برد.

ماده ۵، همکاری نظامی را به سطحی عملیاتی می‌برد: از تبادل هیئت‌ها و آموزش پرسنل تا مانورهای مشترک و عملیات امداد دریايي. بند سوم، امکان برگزاری

زرمایش در «قلمرو و در طرف و فراتر از آن» را باز می‌کند. این برای ایران که به‌دنبال بازآرندگی در برابر تهدیدات منطقه‌ای است و برای روسیه که می‌خواهد قدرت خود را در برابر ناتو به نمایش بگذارد، کم‌ارزش نیست.

مساده ۶، همکاری نظامی – فنی را هدف قرار می‌دهد: تولید و تبادل تجهیزات با ضمانت برگزاری نشست‌های سالانه برای هماهنگی: «در چهارچوب یک مشارکت جامع، بلندمدت و راهبردی، طرف‌های متعاهد تعهد خود را به توسعه همکاری در زمینه نظامی – فنی بر اساس موافقت‌نامه‌های مرتبط بین‌خود، با نظر گرفتن منافع متقابل و تعهدات بین‌المللی خود تأیید خواهند کرد و این همکاری را به‌عنوان عنصر مهمی در حفظ امنیت منطقه‌ای و جهانی مد نظر قرار خواهند داد.»

■ **مقاوم‌سازی در برابر تحریم‌ها**

اسنپ‌بک، با احیای تحریم‌های مالی و نفتی، سعی می‌کند فشارها را افزایش دهد، اما معاهده راه‌هایی برای کاهش آن‌ها ارائه می‌دهد. ماده ۱۹، نقطه کانوئی

به آن‌ها مواد غذایی داده می‌شود، بازداشت فعالان و امدادگرانی که برای کمک به مردم غزه و ارسال مواد غذایی وارد مرزهای این سرزمین شدند، دروغ‌تانیاهو را برای جهانیان روشن کرد، آن هم در مقابل دوربین‌های پخش زنده قایق‌ها، اگرچه صهیونیست‌ها تلاش کردند تا جای ممکن با احتیاط رفتار کنند و اجازه ندهند بیش از اندازه شرایط بین‌المللی برای آن‌ها سخت شود، اما ممانعت از حضور اعضای کاروان صمود به خودی خود اثبات‌کننده این موضوع بود که صهیونیست‌ها در حال ارتکاب یک جنایت انسانی در غزه هستند.

■ **اسرائیل، بی‌خیال ژست مظلوم‌نمایی**

بر مبنای آنچه رسانه‌ها می‌گویند تقریباً تمام کشتی‌های کاروان صمود توسط اسرائیل توقیف شدند، اما هم‌زمان ۴۵ کشتی غیرنظامی نیز از بندر آرسوز ترکیه به سمت مدیترانه حرکت کردند تا به این کاروان پیوندند. در واقعیت یک واکنش اعتراضی، در حال تبدیل‌شدن به اقدامی همه‌گیر در جهان است و علاوه بر آنکه اعتراضی ضمنی به مواضع بی‌طرف دولت‌ها در قبال محاصره غزه است، دیگر تقریباً افکار عمومی جهان را به این یقین رسانده که اسرائیل یک رژیم آپارتاید است، البته از آنجاکه صهیونیست‌ها در موقعیت سختی قرار دارند، در حال حاضر و بی‌توجه به فشارهای افکار عمومی جهانی، به برخورد‌های سخت و نظامی حتی با شهر و ندان اروپایی ادامه می‌دهند، اگرچه نباید این گزاره را فراموش کرد که باتوجه‌به حضور چهره‌های رسانه‌ای و شناخته‌شده در این کاروان، حتی ورود این افراد به نوار غزه و ثبت تصاویر جنایت‌های رخ‌داده نیز شکست دیگری برای آن‌ها به همراه خواهد آورد.

■ **نسیم نوروزی:**

صمود علیه غصب سیستماتیک زمین

نسیم نوروزی، استاد دانشگاه کنکوردیا و ساکن کانادا در جمع تيم‌های کمک‌کننده به کاروان صمود حاضر شده و به اروپا رفته بود. از او درباره این موضوع پرسیدیم که چرا اروپایی‌ها به این حرکت اعتراضی پیوستند و معنای این حرکت چیست که در پاسخ گفت: «در شورای زندگی و کار می‌کنم و مالیات زیادی می‌دهم که این مالیات برای سلاح و اسلحه هزینه می‌شود و روی سر مردمی فرستاده می‌شود که در تکه‌ای از جغرافیایی که برای خودشان بوده، زندانی می‌شوند و چون مقاومت کردند، گناهکار محسوب می‌شوند و بمب بر سر آن‌ها آوار می‌شود و دچار قحطی انسان‌ساز می‌شوند. خیلی از بچه‌هایی که اینجا بودند اعتراضشان را به این نوع به کارکرد دولت‌ها بیان می‌کنند. دوسال است با ابزار مختلف از دولت‌هایشان خواستند که ارسال اسلحه به نام کشورها را تمام کنید و به نام ما این کارها را انجام ندهید. هزینه که آمریکا و اروپا برای خرید اسلحه خرج می‌کنند، میلیاردی است و در بسیاری از مراکز تحقیقاتی خارج از کشور وجود دارد و سیستماتیک، نامرئی و خبیثانه است به این خاطر که جلوی مقاومت مردم سرزمینی را که کشورشان غصب‌شده می‌گیرند، این در راستای میراث این کارها برای غصب سیستماتیک زمین است. بسیاری از کشورگرانی که ضداسرائیل هستند سوادشان را در بازنگری و دانشگاه‌ها و خواندن مطالب به دست آوردند. این سواد نیست که تشویق شود اتفاقاً بسیار تنبیح می‌شود، استادان شغلمان را از دست می‌دهند، و دانشجو‌ها دادگاهی می‌شوند.»

اقتصادی معاهده است: «مقابله با اقدامات قهرآمیز یکجانبه، از جمله تحریم‌های فراسرزمینی». این ماده، با ارجاع به اعلامیه ۲۰۲۳ ایران و روسیه، دو کشور را به هماهنگی برای کاهش اثرات تحریم‌ها متعهد می‌کند. برای ایران که دسترسی به سسونیفت را از دست داده و برای روسیه که از ۲۰۲۲ تا این سیستم محروم است، این بند راه‌آبرای ایجاد مکاتبنسم‌های مالی مستقل مانند پرداخت با روبل و ریال باز می‌کند. حجم تجارت دو جانبه که در ۲۰۲۴ به ۵ میلیارد دلار رسید، گفته می‌شود با این معاهده می‌تواند تا ۲۰۳۰ به ۱۲ میلیارد دلار برسد.

مواد ۱۷، ۱۸ و ۲۰ تا ۲۳، تجارت و مسر مایه‌گذاری را تقویت می‌کنند. ماده ۲۰، پرداخت با ارزهای ملی و مناطق اقتصادی ویژه را پیش‌بینی می‌کند که وابستگی به دلار را کاهش می‌دهد. ماده ۲۱، متوجه کریدور شمال – جنوب است؛ مسیری که می‌تواند از حمل و نقل بین آسیا و اروپا را ۴۰ درصد کاهش دهد و حجم تجارت را به ۵۰ میلیارد دلار تا ۲۰۳۰ برساند. ماده ۲۲، همکاری در نفت و گاز را گسترش می‌دهد. این برای ایران که بزرگ‌ترین ذخایر گازی جهان را دارد و برای روسیه که به بازارهای جدید نیاز دارد، سودمند است. ماده ۲۳، انرژی هسته‌ای را صلح‌آمیز را پوشش می‌دهد که می‌تواند همکاری‌های فنی را تعمیق بخشد.

■ **بازتعریف نظم منطقه‌ای**

مواد ۱۲ و ۱۳، دریای خزر را به‌عنوان «منطقه صلح و همکاری اقتصادی» تعریف می‌کنند. این ماده، با جلوگیری از حضور نیروهای غیرساحلی و بهره‌برداری از منابع، برای ایران دسترسی به مسیرهای صادراتی شمالی را تضمین می‌کند و برای روسیه، امنیت مرزهایش را. ماده ۱۴، همکاری در سازمان همکاری شانگهای و اتحادیه اورآسیا را تعمیق می‌بخشد که ایران را به بازارهای شرقی متصل می‌کند؛ کلیدی در برابر تحریم‌های اسنپ‌بک. ماده ۹، رازی‌نی در سازمان‌های بین‌المللی را الزامی می‌کند و ماده ۱۰، همکاری در کنترل تسلیحات را که مواضع مشترک دو کشور را تقویت می‌کند.

ماده ۱۱، بر امنیت سایبری تمرکز دارد و از ایجاد چهارچوب‌های حقوقی تا مقابله عملی با حملات سایبری را شامل می‌شود. با توجه به پیشرفت فناوری‌ها و سوءاستفاده اسرائیل از غول‌های فناوری برای تسهیل جنگ و جنایت علیه بشر، این ماده اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده و می‌تواند نقش حیاتی در حفاظت از زیرساخت‌ها و تقویت بازآرندگی ایفاکند.

■ **لایه‌های نرم قدرت**

مواد ۳۰ تا ۳۷، لایه‌ای نرم به این پیمان سخت‌انضافه می‌کنند. ماده ۳۰، پروژه‌های علمی مشترک و تبادل دانشجوین را ترویج می‌دهد. ماده ۳۲، همکاری رسانه‌ای را برای مقابله با اخبار جعلی تقویت می‌کند که پاسخی است به تبلیغات غربی. مواد ۳۴ تا ۳۷، فرهنگ، گردشگری، جوانان و ورزش را پوشش می‌دهند: از مراکز فرهنگی در تهران و مسکو تا تبادل مربیان ورزشی. این مواد، روابط مردمی را تعمیق می‌بخشدند و تصویر مثبتی از همکاری ایجاد می‌کنند. در نهایت، معاهده نیاز به مکاتبنسم‌های اجرایی دارد. مواد ۴۱ تا ۴۷، چهارچوب اجرایی معاهده را مشخص می‌کنند. ماده ۴۱، موافقت‌نامه‌های جداگانه را اجازه می‌دهد و ماده ۴۲، نشست‌های منظم سران را. ماده ۴۵، مدت ۲۰ ساله با تمدید خودکار را تعیین می‌کند و ماده ۴۴، حل اختلاف از طریق دیپلماسی را. این ساختار، معاهده را از یک سند نمادین به برنامه‌ای عملی تبدیل می‌کند.